

## رای دوگانه: شاخص آگاهی

عماد بهاور

۸۵/۹/۲۳

در روز ۲۴ آذرماه یک فرصت استثنایی پیش روی مردم ایران قرار خواهد داشت. با این حال شواهد اندکی از استفاده آگاهانه مردم از این فرصت وجود دارد. روشنفکران ایران ابزار لازم را برای انتقال اندیشه ها و برنامه های خود به توده مردم در دست ندارند. اگر ارتباطات ارگانیک احزاب و روشنفکران با مردم وجود می داشت، ۲۴ آذر ماه تبدیل به یک روز تاریخی می شد، البته نه مانند دوم خرداد و نه مانند سوم تیر، بلکه از جنسی دیگر. رای دادن در دوم خرداد و سوم تیر هر دو از روی احساسات بود و نه از روی آگاهی. تحریم انتخابات دور دوم شوراها و دور نهم ریاست جمهوری نیز به صورت یک تحریم آگاهانه با برنامه مشخص صورت نگرفت. نتیجه آنکه هیچ یک از انتخابات گذشته نمی تواند زمینه مناسبی جهت انجام مطالعات علمی درباره میزان آگاهی مردم در عمل جمعی سیاسی باشد. تنها می توان به حدس و گمان ها و یا تخمین هایی بسنده کرد. اما شرایط در ۲۴ آذرماه به کلی متفاوت از انتخابات پیشین است.

در روز ۲۴ آذر دو انتخابات به صورت همزمان برگزار خواهد شد. دو انتخابات با دو ماهیت متفاوت و شاید متضاد. کسانی که انتخابات را به صورت یک کل می بینند و در ذهن ایشان تفاوتی میان انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس و شوراها وجود ندارد، اساساً نمی توانند موضع صحیحی در عمل سیاسی خود داشته باشند. ایشان یا «همیشه تحریمی» هستند یا «همیشه مشارکتی». رویکرد اینگونه افراد در قبال انتخابات رویکردی «فراانتخاباتی» است. یعنی ریشه مواضعشان را درباره انتخابات باید در مکانی دیگری خارج از بحث انتخابات جست که احتمالاً شامل منافع فردی و گروهی و یا اختلافات و احساسات شخصی است. در غیر اینصورت موضع سیاسی یک گروه نسبت به انتخابات بسته به میزان آزاد بودن انتخابات و یا نوع و ماهیت انتخابات متفاوت خواهد بود؛ یعنی گاهی تحریم، گاهی مشارکت حداکثری و گاهی مشارکت حداقلی.

با توجه به مقدمه فوق، از آنجا که دو انتخابات خبرگان و شوراها دارای ماهیت کاملاً متفاوت است و میزان آزادی انتخابات در یکی در حد صفر و در دیگری حداقلی است، طبیعتاً آگاهی سیاسی حکم می کند که در قبال هر کدام از این دو انتخابات، رویکردها و مواضع مختلفی از سوی گروه های سیاسی و یا توده مردم اتخاذ شود. پس در مرحله اول شاهد هستیم که فضایی برای مطالعه دقیق بر روی مواضع گروه های سیاسی مختلف به صورت علمی به وجود آمده است تا میزان آگاهی سیاسی این گروه ها و یا انگیزه های عمل سیاسی ایشان با دقت بیشتری بررسی شود.

در مرحله دوم، ۲۴ آذر فرصتی ناب برای مطالعه درباره آگاهی مردم در یک عمل جمعی سیاسی خواهد بود. باید دید چه تعداد از مردم حاضرند وارد یک حوزه انتخاباتی شوند و برگه رای شوراها را بگیرند اما از گرفتن برگه رای خبرگان خود داری کنند. چنانچه می دانید این یک عمل به شدت معنادار و البته هدف دار است. طرفداران تحریم همواره میزان عدم مشارکت را به عنوان یک شاخص معنا دار مطرح می کنند. اما همانطور که می دانیم عدم مشارکت در انتخابات اگر همراه با یک عمل سیاسی مشخص دیگر (مثل تظاهرات، تحصن و یا مثلا بستن پارچه قرمز به بازو) نباشد، نمی تواند به صورت یک شاخص قابل اندازه گیری طرح شود. انگیزه های عدم مشارکت در انتخابات می تواند شامل ده ها مورد باشد که بی تفاوتی یکی از عمده ترین آن هاست. در نتیجه اینگونه تحریم کور معمولا چندان موثر و در جهت اهداف دموکراتیک نخواهد بود.

«رای دوگانه» به دو انتخاباتی که یکی ماهیتا مردمی و درجهت تمرین دموکراسی است و دیگری هیچ نسبتی با دموکراسی و رأی مردم ندارد می تواند حامل پیام مهمی به حاکمیت باشد. پیامی بسیار رساتر از پیام دوم خرداد و یا ۲۷ خرداد. رأی دوگانه به دو انتخاباتی که یکی شامل رد صلاحیت صددرصدی و دیگری شامل تایید صلاحیت نسبی اصلاح طلبان است، می تواند درکاهش مشروعیت شورای نگهبان بسیار موثر باشد. رأی دوگانه همچنین می تواند به عنوان ۱- شاخصی از آگاهی جمعی در باره ماهیت انتخابات مختلف، ۲- شاخصی از تاثیرپذیری و ارتباط مردم با روشنفکران و احزاب اصلاح طلب، ۳- شاخصی از میزان جسارت فردی در انجام یک عمل سیاسی معنادار توسط مردم، ۴- شاخصی از آگاهی مردم درباره ماهیت حاکمیت دوگانه، و ۵- به طور کلی شاخصی از آگاهی مردم نسبت به تمایلات سیاسی شان، مطرح باشد.

در نهایت می توان گفت که رأی دوگانه در کل یک «شاخص آگاهی جمعی» است که قابل اندازه گیری و استفاده در مطالعات سیاسی علمی می باشد. هرچه میزان کمی این شاخص بیشتر باشد میزان ضربه ای که به حاکمیت اقتدار گرا وارد می شود بیشتر خواهد بود. در حال حاضر و در شرایط کنونی ایران به نظر نمی رسد که بتوان هیچگونه حرکت جمعی معنادار دیگری که اینگونه نتایج مشخصی را هدف بگیرد طراحی کرد. حقیقتا این یک فرصت استثنایی است که همیشه وجود نخواهد داشت. اینکه چرا و با چه تحلیلی حاکمیت چنین ریسکی را پذیرفته است که این دو انتخابات را در یک روز برگزار کند تنها یک پاسخ می تواند داشته باشد: مطالعات و تحقیقات دستگاه های امنیتی احتمالا نشان می دهد که آگاهی مردم در آن سطحی نیست که از خود یک چنین حرکت معناداری را بروز دهند. اما این چیزی است که ما نیز در انتخابات ۲۴ آذر به وضوح صحت و سقم آن را خواهیم فهمید. ای کاش انتخابات خبرگان و شوراها همیشه در یک روز برگزار می شد.